

میزان تأثیرپذیری مجرمین در زندان جهت تکرار جرم

احسان ملک‌پور^۱

چکیده

سیستم زندان آنگونه که باید در جهت احقاق اهداف خود - که همانا «تنبیه»، «ارعاب» و «بازپروری» مجرمین است پیش نرفته و خود دارای اثرات سوء و آسیب‌های جدی برای جامعه است. از جمله، تأثیری که زندان در خصوص تکرار جرم دارد، مسبب ایجاد سوالاتی از این باب گردیده که آیا زندانی کردن افراد در رسیدن به هدف‌های پیشگیری، اصلاح، درمان و بازپذیری اجتماعی مجرم توفیق داشته است یا نه؟ در زندان مجرمان حرفه‌ای و افراد خطرناک حضور دارند و از طرفی کنترل چندانی نیز وجود ندارد. این مسئله باعث می‌شود که افراد خطرناک دور هم جمع شده و گروه‌هایی را تشکیل داده و به آموزش آنان بپردازند، در نتیجه بسیاری از زندانیان بعد از آنکه از زندان آزاد می‌شوند نه تنها اصلاح نمی‌شوند بلکه روش‌های ارتکاب، بزهکاری و جرم را بصورت بسیار حرفه‌ای و سازمان‌یافته یاد می‌گیرند. این تحقیق با هدف تبیین تأثیر زندان بر تکرار جرم با بهره‌گیری از تئوری‌های جامعه‌شناسی و مبانی نظری آسیب‌های اجتماعی نظیر آنومی، برچسب‌زنی و ... سعی در بررسی علل و عوامل تکرار جرم دارند و بر این سوال اساسی تأکید دارد که چه عواملی در زندان وجود دارد که تکرار جرم را تسهیل می‌نمایند.

واژگان کلیدی: مجازات، زندان، تکرار جرم، مجرم، اصلاح و تربیت.

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی

مقدمه

عبارت دیگر تراکم سبب می‌شود که منابع انسانی و مالی بسیاری صرف انبار کردن انسان‌ها شود و بنابراین کسانی که باید از درمان و برنامه‌های اصلاحی استفاده کنند، از آن محروم می‌شوند و افزون بر آن سرچشمه ایجاد تنش هم برای کارکنان و هم برای محکومان است (اسدی، ۱۳۸۵: ۱۴).

از جمله پیامدهای منفی زندان می‌توان از تأثیر روانی زندان بر زندانی نام برد بدین مفهوم که زندان هویت محکوم را از میان می‌برد و به ویژه در زندان‌های بلندمدت چنان اختلالی در شخصیت او به وجود می‌آورد که نتیجه آن پیروی کورکورانه و محض یا حالت تهاجمی است که به شکل شورش در زندان، درگیری با سایر زندانیان و همانند آن آشکار می‌شود و همچنین زدن برچسب مجرم بر محکوم و زندانی و جدا کردن او از جامعه و زندگی در شرایط خاص سبب می‌شود که محکوم زندانی رفته‌رفته حس مسئولیت‌پذیری خود را نسبت به کسانی که او را از آن خود نمی‌دانند، از دست بدهد و پس از خروج از زندان تکلیف کمتری نسبت به رعایت ارزش‌های مورد قبول جامعه در خود احساس کند (پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۵۹). در اکثر مواقع کسانی که گرفتار بزهکاری می‌شوند فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث کار، تحصیل، خانواده و ... از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آنها تأثیر بسزایی دارد و این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه و خانواده طرد می‌شوند و امکان بازگشت آنها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات فراوانی روبرو می‌باشد. مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که زندان، خود، برای بسیاری از زندانیان با

زندان یکی از مهم‌ترین ابزار دفاع در مقابله با پدیده جرم و شخص مجرم است. اگرچه فلسفه اصلی تأسیس زندان-ها، تأمین منافع جامعه از طریق اصلاح و تربیت مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم است، اما مطالعات و پژوهش‌های علمی متعدد نشان می‌دهد؛ اغلب زندان‌ها در اصلاح زندانیان موفق نبوده‌اند و افرادی که عملاً به زندان افتاده‌اند، از ارتکاب جرم بازداشته نشده‌اند. در این خصوص بررسی آمارهای تکرار جرم زندانیان در کشورهای مختلف مؤید این مطلب است که در اغلب کشورها، بازگشت مجدد به زندان حتی در کشورهای متمدنی و پیشرفته وجود دارد. براساس نتایج حاصله از یک بررسی آماری از تکرارکنندگان جرم در آمریکا مشخص شد که نرخ تکرار جرم در ایالات مختلف این کشور براساس برخی متغیرها از جمله گروه نژادی، پیر یا جوان بودن، پیچیدگی یا میزان حرفه‌ای بودن جرائم بین ۲۶ تا ۴۶ درصد در نوسان است (شیخی‌منش، ۱۳۸۹: ۴۸). زندان امروزه تا حدودی هدف ارباب فردی و بازدارندگی خود را از دست داده است. در پاره‌ای از موارد اشخاصی که برای بار اول به مجازات زندان محکوم می‌گردند طرق ارتکاب جرم را از مرتکبین حرفه‌ای فرا می‌گیرند و بدین‌وسیله پس از آزادی از زندان با تخصص، مهارت و جسارت بیشتر دست به ارتکاب اعمال مجرمانه می‌زنند. علاوه بر این، باید این واقعیت تلخ را پذیرفت تراکم جمعیت کنونی زندان راه را برای اصلاح فردی زندانیان مسدود کرده است و این تراکم جمعیت کنونی مانع از آن است که بتوان مقدمات آزادسازی مجرمان و بازسازگاری آنان را فراهم کرد. به



و ممنوعیت‌های دیگر که مهم‌ترین آن رفت و آمد است (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۱۶۲). در کتاب ترمینولوژی حقوقی واژه حبس در حقوق جزا چنین تعریف شده است: سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود بطوریکه در زمان آن، حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد آنرا توقیف گویند نه حبس (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۳: ۲۰۸).

۲- زندانی کیست؟

زندانی به کسی گفته می‌شود که در چارچوب قانون، فعالیت غیرقانونی انجام داده باشد اما بدلیل مغایرت فعالیت‌های وی با خواست حکومت در زندان باشد. اگر شخصی برخلاف قانون عمل کند و با زیر پا گذاشتن قوانین به فعالیت غیرقانونی پرداخته باشد مجرم محسوب می‌شود. لذا به کسانی که در زندان محبوس هستند زندانی می‌گویند (طیسی، ۱۳۴۸: ۵۰۹).

۳- تکرار جرم

الف) مفهوم لغوی تکرار جرم

تکرار در لغت به معنای کاری را دوباره انجام دادن و معادل عربی آن «عود» یعنی بازگشتن و کار قبلی را دوباره انجام دادن است (عمید، ۱۳۸۱: ۴۰۷).

ب) مفهوم حقوقی تکرار جرم

صاحب‌نظران حقوق کیفری از جمله در کشور ما و سایر کشورها تکرار جرم را به شرح ذیل تعریف کرده‌اند:

«تکرار جرم عبارت است از اینکه کسی به موجب حکم قطعی یکی از دادگاه‌های ایران محکومیت جزایی داشته باشد و بعداً مرتکب جرمی شود که مستلزم محکومیت جزایی گردد» (بهری، ۱۳۸۱: ۳۲۷).

تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، بسیار ناامید کننده است (حاتمی‌خواجه، ۱۳۸۶: ۹۵). جامعه بین-الملل به ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. بارها اعلام شده در عمل، زندان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری‌الف) (۱۳۸۲: ۴۵). با این حال علیرغم توصیه‌های سازمان ملل متحد مبنی بر استفاده از زندان به عنوان آخرین حربه هنوز هم در زرادخانه‌های کیفری، در صدر سیاهه‌ی مجازات‌ها قرار گرفته است.

مروری بر مفاهیم

۱- حبس چیست؟ زندان کجاست؟

بطور کلی در فرهنگ‌های مختلف فارسی حبس به معنای زندانی کردن، بازداشت کردن، بازداشتن (ابد، تأدیبی، با اعمال شاقه) (معین، ۱۳۷۱: ۱۳۳۸) بند کردن، قید کردن، بستن، توقیف، زندان، بند، مقابل اطلاق و وقف آمده است (دهخدا، ۱۳۳۰: ۲۰۸) و از واژه زندان نیز به محبس، حبس‌گاه جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاه دارند، بندیخانه، قیدخانه و سجن تعبیر شده است (معین، پیشین: ۱۷۵۳). در این مفهوم اصطلاحاً زندان یکی از مجازات‌های کیفری می‌باشد که حسب آن براساس تصمیم مراجع قضایی مطابق قوانین و مقررات موضوعه آزادی فرد برای مدت محدود یا نامعین سلب می‌گردد به همین دلیل زندان را به عنوان مجازات سالب آزادی تعبیر نموده‌اند البته منظور از سلب آزادی همان محرومیت است و محرومیت از آزادی عبارت است از محرومیت از پرداختن به حرفه، ممنوعیت از سکونت در محل اقامت خود، دوری از خانواده

۱- نظریه تفاوت ارتباطات و انتقال فرهنگی

از نظر ساترلند جامعه‌ای که دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهکار یا تبهکار می‌شوند. به نظر ساترلند، اکثر رفتار تبهکارانه در درون گروه‌های نخستین، به‌ویژه گروه‌های همسالان فراگرفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۹۵۱). همچنین ساترلند در نظریه انتقال فرهنگی یک نتیجه‌گیری جالب دارد و آن این است که رفتاری که توأم با فرهنگی انحرافی تلقی می‌شود، ممکن است از لحاظ یک فرهنگ دیگر عملاً هم‌نواپی تلقی گردد، مانند ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به افراد ناباب، شرخ‌ها که می‌توانند عملاً نوجوانان را درگیر قانون سازند. این نظریه همچنین روشن می‌کند که چرا بسیاری از بزهکاران، معتادان و سایر منحرفان بعد از رهایی یا معالجه دوباره به وضع قبلی خود برگشت می‌کنند یعنی مجدد به شبکه روابط اجتماعی خود با معاشران منحرف‌برمی‌گردند (شمس، ۱۳۸۳: ۶۱).

۲- نظریه آنومی مرتن

یکی از نظریات مطرح در بررسی مسائل جامعه زندان، نظریه آنومی است. مرتن می‌گوید، هنگامی که فرد دچار حالت «آنومیک» می‌شود وابستگی و احساس تعلق خود را به گروه از دست می‌دهد. هنجارهای گروهی را به عنوان سرمشق نمی‌پذیرد. از آنها می‌گریزد و برای مدتی در بی-هنجاری، یا به تعبیر دورکیم کژهنجاری، به سر می‌برد؛ زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جایگزین هنجارهای پیشین

«تکرار جرم حالت کسی است که بعد از صدور حکم محکومیت او از دادگاه صالح و قطعیت آن حکم، مرتکب جرم دیگری می‌شود لذا تکرار جرم به دو عنصر تجزیه می‌شود یکی محکومیت قبلی و دیگری ارتکاب جرم بعد» (گارو، ۱۳۴۶: ۳۸۰).

در تعریف دیگر آمده است: «تکرار جرم عبارت از آن است که مجرم پس از ارتکاب جرم و محکومیت به مجازات مجدداً مرتکب جرم دیگری شود (سمیعی، ۱۳۳۳: ۱۰۱).

یا به عبارت دیگر، تکرار جرم حالت مجرمی است که به خاطر ارتکاب جرم و بعد از اجرای حکم محکومیت جزایی قطعی قبلی، مجدداً مرتکب جرم دیگری شده باشد (ولیدی، ۱۳۸۸: ۴۲۶). براساس تعاریف یاد شده تکرار جرم از عوامل عمومی تشدید مجازات می‌باشد و عبارت است از وضعیت فردی که پس از ارتکاب جرم و دریافت محکومیت قطعی، مجدداً مرتکب جرم دیگری شده است و قانونگذار به دلیل عدم رفع حالت خطرناک بزهکار با اعمال محکومیت نخست، در مرتبه بعد او را مستحق مجازاتی شدیدتر از قبل فرض می‌نماید. تکرار جرم علاوه بر آنکه نشانه ناتوانی و قصور بزهکار جهت باز اجتماعی شده و انطباق با حیات عاری از جرم می‌باشد بیانگر کاستی و ناتوانی نهادهای مجری عدالت کیفری جهت بازسازی و بازپروری و همچنین پیشگیری از جرم نیز می‌باشد.

مبانی نظری

در جستجوی چارچوب نظری برای این تحقیق نظریه‌های ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:



عاملی است که فرد را از حرکت اجتماعی باز می‌دارد و شکاف میان رشد و تغییرات بهینه جامعه و فرد زندانی عاملی است که بازدارنده حرکت و تغییر مثبت در فرد می‌شود، به گونه‌ای که زندانی پس از آزادی با روند تغییرات جامعه بیگانه است و به مهارت‌های لازم برای کار و پیشرفت اجتماعی مجهز نیست (راهب، پیشین: ۳۱۱).

۶- نظریه برجسب‌زنی

یکی از مهم‌ترین رویکردها برای درک تبهکاری نظریه برجسب‌زنی نام گرفته است. نظریه‌سازان برجسب‌زنی از جمله ادوین لمرت، کجروی را نه به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروه‌ها، بلکه به عنوان یک فرایند کنش متقابل میان کجروان و ناکجروان تبیین می‌کنند؛ کنش متقابل بین اشخاصی به اصطلاح کج رفتار و هم‌نویان تحت فرمان معنایی است که آنها به کنش‌ها یکدیگر تعریف می‌کنند، این معناها همان نمادها، تفسیرها یا انگ-هایی است که مردم به یک کنش می‌دهند و از خود کنش مهم‌ترند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۷). لمرت معتقد است برجسب‌زنی و منحرف شناختن فردی که واقعاً منحرف نیست ممکن است او را به آدم منحرف واقعی تبدیل کند. تأیید برجسب انحراف فرد به طور رسمی یا غیررسمی موجب رفتار نامطلوب دیگران با او می‌شود و نه تنها او را از شکستن هنجارها باز نمی‌دارد بلکه موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های منحرف نیز می‌شود و رشد شخصیت منحرف را در فرد تسهیل می‌نماید. به نظر می‌رسد طبق این نظریه، هیچ عمل اجتماعی صرف‌نظر از فضایی که عمل در آن اتفاق افتاده به خودی خود اشتباه، انحراف و بد نیست (همان، ۵۹).

سازد. برای اطمینان البته تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد و خودش را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا و هم‌سان می‌یابد (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۳۷).

۳- نظریه خرده‌فرهنگی کوهن، کلوارد و اوهلین

این نظریه بر بزهکاری جوانان متمرکز شده و در یک تحلیل جامعه‌شناسی بزهکاری جوانان را برحسب ویژگی‌های خرده‌فرهنگی آنها مانند ارزش‌ها، باورها، زبان، عادات و شیوه‌های زندگی مورد بررسی قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۷: ۸۷).

۴- نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و ساترلند

براساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند ارتباط با دیگران به خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. در فرآیند یادگیری معاشران فرد قواعد حقوقی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان فرا می‌گیرد و شخص به دلیل اینکه در معرض تعاریفی قرار می‌گیرد که قانون‌شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می‌دهد، بزهکار یا جنایتکار می‌شود (راهب، ۱۳۸۶: ۴۱۱).

۵- نظریه کنش متقابل اجتماعی

از نظر پارسونز، «کنش، چیزی جزء کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست». یکی از ویژگی‌های واحد کنشی پارسونز این است که گرایش او را به تلفیق علایق فردی خرد با ساختارهای کلان اجتماعی نشان می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۵: ۵۳۰). پارسونز کجروی را ناشی از همبستگی ناقص میان حرکت اجتماعی جامعه و حرکت فردی، انسان‌های سازنده جامعه می‌داند و زندان و زندانی شدن

۷- نظریه پیوند اجتماعی

گذاری یا به صورت مستقیم است و یا از طریق آثاری است که آن آثار به نوبه خود در وقوع جرم و بزهکاری نقش اساسی خواهند داشت و بدیهی است که عوامل فردی و متغیرهای زندان را در این تأثیرگذاری نباید نادیده گرفت. عوامل فردی شامل عوامل غیرجرمی مانند سن، محل سکونت، وضعیت خانوادگی و وضع تأهل، طلاق و ارتباط خانوادگی، سواد، اشتغال، وضع اقتصادی و ... و عوامل جرمی نظیر نوع جرم، کیفیت ارتکاب جرم، شرکت در جرم، اعتیاد، سابقه و مدت حبس تحمل شده، وضع قضایی (متهم، محکوم) و ... است.

هیرشی علت همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. وی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع کج رفتاری می شود بدین شرح توضیح داده است: بین تعلق خاطر افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول زندگی روزمره، همنوایی با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن آنها در فعالیت های مختلف زندگی و اعتقاد به نظام هنجارهای جامعه از یک سو و همنوایی آنان با هنجارهای اجتماعی از سوی رابطه مستقیم و با احتمال کج رفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد (راهب، پیشین: ۳۱۱).

۸- نظریه کنترل اجتماعی

مارک آنسل درباره زندان می گوید: زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است یعنی برای آن ایجاد شده ارائه نمی دهد. هدف انسان های سده هجدهم که برای زندان، اقسام و درجه هایی را منظور کرده بودند آن بود که مجازات یاد شده جنبه عبرت انگیز به خود بگیرد، انسان های سده نوزدهم را نظر بر آن بود که زندان انفرادی، اسباب ندامت محکوم را فراهم می سازد و او را در اتخاذ تصمیم مبتنی بر ادامه زندگی شرافتمندانه یاری می دهد. انسان های سده بیستم نیز زندان را مکان و وسیله بازپروری اجتماعی محکوم می دانند ولی حقیقت این است که همه این امیدها بر باد رفته است. زندان ضمن آنکه باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد از همان آغاز بصورت یک مدرسه تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۷).

در این نظریه دورکیم معتقد است که مجازات نقش مفیدی ندارد و فقط می تواند در موارد معدود، به طور مستقیم در تنبیه مقصر یا ارباب دیگران موثر واقع شود. به این دلیل، دورکیم می گوید که تأثیر مجازات همیشه مورد تردید بوده و اصولاً ناچیز به شمار می آید (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۲۱). دورکیم همچنین گفته است: «به موازات گسترش بیشتر انواع فردی و تخصصی تر شدن وظایف، باید شاهد این باشیم که تناسب دامنه دو نوع حقوق تنبیهی و ترمیمی معکوس شود».

تأثیر کیفر زندان نسبت به تکرار جرم

لذا زندان به عنوان یک محیط تحمیلی از جمله عوامل جرمزا محسوب می گردد که در بزهکاری تأثیر بسزایی دارد. این مجازات نه تنها در اصلاح و تربیت زندانیان اثر چندانی

وجود معایب عدیده و تبعات منفی مجازات زندان باعث گردیده تا از نظر عده ای از علمای حقوق جزا، زندان و مجازات حبس نه تنها موثر واقع نگردیده بلکه عاملی برای سوق دادن محکومین به تکرار جرم می باشد. این تأثیر-



آن صورت می‌گیرد که پیشگیری عمومی و پیشگیری فردی از نتایج آن محسوب می‌شود. مع‌الوصف هدف بازدارندگی فردی در مورد مجازات حبس کمتر با واقعیت منطبق می‌باشد و جمعیت زندانیان را غالباً تکرارکنندگان جرم تشکیل می‌دهند. «تا زمانیکه معایب زندان وجود داشته باشد با خنثی شدن ترس از آن و از بین رفتن قبح آن نزد زندانی و احیاناً بدآموزی از زندانیان حرفه‌ای، بعد بازدارندگی آن مخدوش می‌گردد» (خلیلی‌مه‌دی‌رجی، ۱۳۸۴: ۱۸). این مسئله نه تنها در کشور ما بروز و ظهور دارد بلکه دامنگیر سایر کشورها و جامعه بین‌المللی است. حتی در بسیاری از جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نه تنها نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین‌کننده داشته باشد. بلکه در عمل به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است. «مطالعات جرم‌شناسانه نشان می‌دهد که با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان‌ها طی دو سده گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان‌ها منجر شده، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است. نتایج بدست آمده ناامید کننده‌اند و نظریه بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی و حتی اسکانداویناوی که از دیرباز از آن پشتیبانی می‌کردند تقریباً با شکست روبرو بوده است. افزون بر آن، ضعف امکانات فیزیکی و سازمان‌دهی و نظارت زندان‌ها و نیز فساد رایج در میان زندانیان و زندانبانان که معمولاً مأموران عادی‌اند نه مددکاران متخصص، به نقض حقوق بشر و کرامت انسانی منتهی شده است» (آشوری (ب)، ۱۳۸۶: ۷).

نداشته بلکه در مواردی آنان را بیش از پیش در ارتکاب جرم متبحر و جری می‌کند. چرا که زندانیان بویژه مجرمین بدون سابقه به علت معاشرت و مصاحبت با بزهکاران خطر- ناک و حرفه‌ای شگرد ارتکاب انواع جرائم را می‌آموزند. از طرفی شرایط نامناسب زیست‌محیطی زندان اعم از فقدان یا کمبود امکانات، خدمات، رفاهی و تسهیلات و نیز عدم وجود آموزش علمی و فنی و مربیان مجرب موانع و مشکلات را در راه اجرای دقیق و مطلوب این مجازات ایجاد کرده است که این عوامل لاجرم در جرم‌زایی زندان و بزهکاری ثانویه زندانیان موثر می‌باشد.

علمای حقوق جزا، روانشناسان و جامعه‌شناسان نوگرا اغلب مسئله ازدیاد جرائم بویژه تکرار جرم را زائیده رژیم غلط کیفری و عدم پیروی از اصول نوین علمی جهت اداره زندان‌ها دانسته‌اند و عقیده دارند که رژیم کیفری قدیم که مبتنی بر محبوس کردن مطلق مجرمان است سبب ازدیاد جرائم گردیده است. اصولاً مجازات زندان بر پایه پیشگیری از گناه تشریح و تبیین شده ولی در عمل ثابت شده است که مجازات زندان این هدف را تأمین نمی‌کند. زیرا تجربه نشان داده است که افرادی که به زندان با اعمال شاقه که شدیدترین انواع زندان است محکوم می‌شوند پس از پایان مدت محکومیت از زندان بیرون نمی‌روند مگر اینکه با دست یازیدن به تخلف دوباره به زندان بازگردند (گودرزی، ۱۳۸۲: ۳۱).

جلوگیری از ارتکاب جرم و تکرار آن در نقش بازدارندگی مجازات سالب آزادی تجلی پیدا می‌کند. بی‌شک این بازدارندگی با دادن آگاهی توسط قانون‌گذار به افراد جامعه نسبت به واکنش در مقابل اعمال بزهکارانه و ایجاد ترس در آنان و نیز هشدار به فرد بزهکار و سایرین از طریق اجرای

انجامید. «به همین دلیل، در دهه‌های گذشته، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه جدیدی با عنوان جنبش دفاع اجتماعی تقویت شده است. این دیدگاه در نقد نظام موجود کیفری و مخالفت با تکیه صرف بر جنبه حقوقی کیفر شکل گرفته است» (آنسل، پیشین: ۴۳). حتی برخی خواهان تغییر عنوان قانون کیفری به دفاع یا حمایت اجتماعی و طالب متروک شدن لفظ کیفر شده‌اند. در نتیجه این دیدگاه‌هاست که اکنون شیوه‌های جدید کیفری از قبیل حبس خانگی، آزادی با قید التزام، محکومیت تعلیقی، امکان مرخصی‌های زیاد و ... رواج بیشتری پیدا کرده است. علاوه بر این به مسئله جرم‌زایی زندان بعنوان موضوع مهمی در مطالعات آسیب‌شناسانه توجه شده است.

بررسی‌های صورت گرفته در حیطه علم جرم‌شناسی و مطالعه در خصوص زندان‌ها حاکی از آنست که رفتار مجرم-انه رفتاری عقلانی است. این فرض را در مورد ارتکاب مجدد جرم پس از زندان بیشتر می‌توان پذیرفت، زیرا اولین جرم ممکن است واکنشی باشد، ولی در ادامه احتمالاً تبدیل به کنش می‌شود و تحت تأثیر موقعیت اجرا می‌شود. بر این مبنا، چنین نیست که افراد صرفاً به سوی فعالیت-های تبهکارانه رانده شوند، بلکه فعالانه دست زدن به این اعمال را انتخاب و فکر می‌کنند که ارزش خطر کردن را دارد. بنابراین، باید منافع و هزینه‌های ارتکاب جرم را از دیدگاه عامل رفتار، شناسایی و سپس تعیین کرد که زندان چه تغییری در منافع و هزینه‌های مذکور ایجاد می‌کند و آیا سود یا زیان خالص را برای ارتکاب جرم افزایش می‌دهد یا کاهش؟ (عبدی، ۱۳۸۱: ۸۱).

نقش زندان در تکرار جرم تنها به محیط خارج از زندان خلاصه نمی‌شود بلکه در حال حاضر شرایط زندان‌های ما به گونه‌ای است که موجبات وقوع جرائم بسیاری را در محیط داخل زندان فراهم می‌آورد. در واقع می‌توان گفت: «زندگی در محیط زندان توأم با تحمیل مقررات خاص آن بر زندانی، فراهم نکردن امکانات و تسهیلات، دوری از اجتماع و خانواده و بستگان، هم‌نشینی و مصاحبت با مجرمین خطر-ناک، عدم نظارت مدیران و مسئولین زندان، فقدان برنامه‌های سازنده، تراکم زندانیان، بیکاری مفرط، عدم تأمین نیازهای جسمانی و روانی و ... شرایطی را فراهم کرده که علاوه بر تربیت و تحویل بزهکار به جامعه حتی در داخل این محیط جرم‌زا بزهکاری از طریق ارتکاب بعضی جرائم رسوخ نموده و نمایان دارد. شرایط زیست‌محیطی زندان خواه‌ناخواه موجب بروز اعمال مجرمانه‌ای خواهد شد که اگر این نهاد تأسیس نمی‌گردید ارتکاب جرائم مذکور نیز موضوعاً منتفی بود» (همان، ۹۸).

علل تأثیر زندان در تکرار جرم

در مبحث قبل عنوان کردیم دستیابی به دو هدف اصلاح و مجازات، به طور همزمان، در عمل ممکن نیست. حتی برخی تحقیقات اخیر در پی اثبات این هستند که تدابیر اصلاحی-درمانی، در مقایسه با اجرای مجازاتهای کلاسیک، نتایج بهتری در زمینه پیشگیری از تکرار جرم به دست نمی‌دهد. از اینرو، برخی دیگر از این تفکر دفاع می‌کنند که اصلاح زندان باید همچون هدفی جنبی ولی مطلوب، باقی بماند، زیرا اگر هدف اصلی مجازات در نظر گرفته شود، نظریه اصلاح خدشه‌دار می‌شود و به نتایج مطلوب نخواهد



کاهش اثرات سوء زندان و تکرار جرائم ناشی از آن با وجود مباحثی که درخصوص آثار منفی زندان خصوصاً در بحث «تکرار جرم» به میان آمد، لزوم کاهش هرچه سریعتر و بیشتر اینگونه آثار زیانبار خصوصاً رفع اثرات جرمزای آن بشدت احساس می‌شود. بطوریکه حفظ سلامت و امنیت جامعه بطور عمده‌ای در گرو این امر است. به همین دلیل قانونگذاران تدابیر کیفی مختلفی را جهت جایگزین نمودن با این مجازات پیش‌بینی و تصویب نموده و به مرحله اجرا درآورده‌اند. بطور کلی این تدابیر دارای دو ماهیت قانونی و قضایی هستند به این معنا که یا از طریق قانون جنبه آمریت یافته و یا به تدبیر قضایی محاکم واگذار شده است.

در ایران تدابیری چون کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط به آن، تجدیدنظر در قوانین موجود، تصویب قوانین جدید و تعیین جایگزین‌هایی برای حبس در سال‌های اخیر جزء برنامه‌های قوه قضائیه قرار گرفته است (صدیق‌فر، ۱۳۸۴: ۳۹). بعنوان نمونه در سال ۱۳۵۲ قانون رفع توقیف بدهکاران تصویب شد که در سال ۱۳۷۶ الغا شد و پس از آن در آبان‌ماه ۱۳۷۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به تصویب رسید که بموجب ماده ۲ آن محکومله غیرمعسر ممتنع از پرداخت بدهی خود بنا به درخواست محکومله تا زمان تأدیه حبس می‌گردید. همین حکم در بند ج ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرایی قانون موصوف بیان شده بود. لکن در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۳۱ بخشنامه ۹۰۰۰/۱۵۴۵۸/۱۰۰ ریاست قوه قضائیه درخصوص بند ج ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ابلاغ گردید که بموجب آن بند (ج) آئین‌نامه مذکور بدین شرح اصلاح شد:

«به طور کلی، عواملی که موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم می‌شوند دو دسته‌اند: عواملی که منافع خالص ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند و عواملی که از هزینه‌های خالص آن می‌کاهند و در نتیجه، موقعیت فرد را به سوی ارتکاب جرم تغییر می‌دهند. این عوامل را می‌توان از جهت دیگری نیز به دو گروه عوامل ذهنی و درونی و عوامل عینی و بیرونی تقسیم‌بندی کرد. عوامل ذهنی و درونی در برگیرنده مواردی است مانند بی‌اعتمادی به قانون حاکم و دستگاه قضایی، بی‌اهمیت جلوه کردن مجازات زندان که قرار است عامل بازدارنده باشد و اکتساب توجیهاتی منطقی برای دفاع از ارتکاب جرم. عوامل عینی و بیرونی در برگیرنده مواردی است مانند از هم‌گسیختگی خانواده، طرد اجتماعی، بیکاری و از دست دادن شغل و درآمد، افزایش دوستی با بزهکاران و پیدان کردن گروه‌های مرجع جدید و آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم. بخشی از این عوامل منافع را افزایش می‌دهد و بخشی دیگر از هزینه‌های ارتکاب جرم می‌کاهد. در مجموع، می‌توان مدعی شد که زندان از جهات مختلف ممکن است موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم شود، زیرا زندان ممکن است شکاف میان حقوق موضوعه و حقوق اشراقی یا شهودی را تشدید کند، شکاف میان اهداف و ابزار مشروع را افزایش دهد، موجب تغییر در گروه‌های مرجع و وابستگی‌های فرد به دیگران، اعم از وابستگی‌های فکری و اخلاقی (دانش‌ها، باورها و ارزش‌ها) و وابستگی‌های رابطه‌ای و مادی شود، موجب برچسب اجتماعی شود و خلاصه در هر سه حوزه حقوقی، اجتماعی و روان‌شناختی در زندان تأثیر بگذارد و موقعیت فرد را برای ارتکاب جرم معینی تغییر دهد» (همان، ۸۲).

ها، تأمین منافع جامعه از طریق اصلاح و تربیت مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم است، اما مطالعات و پژوهش‌های علمی متعدد نشان می‌دهد؛ اغلب زندان‌ها در اصلاح زندانیان موفق نبوده‌اند و افرادی که عملاً به زندان افتاده‌اند، از ارتکاب جرم بازداشته نشده‌اند. از جمله پیامدهای منفی زندان می‌توان از تأثیر روانی زندان بر زندانی نام برد بدین مفهوم که زندان هویت محکوم را از میان می‌برد و به ویژه در زندان‌های بلندمدت چنان اختلالی در شخصیت او به وجود می‌آورد که نتیجه آن پیروی کورکورانه و محض یا حالت تهاجمی است که به شکل شورش در زندان، درگیری با سایر زندانیان و همانند آن آشکار می‌شود و همچنین زدن برچسب مجرم بر محکوم و زندانی و جدا کردن او از جامعه و زندگی در شرایط خاص سبب می‌شود که محکوم زندانی رفته‌رفته حس مسئولیت‌پذیری خود را نسبت به کسانی که او را از آن خود نمی‌دانند، از دست بدهد و پس از خروج از زندان تکلیف کمتری نسبت به رعایت ارزش‌های مورد قبول جامعه در خود احساس کند. امروزه با مشاهده موارد فراوانی از زندانیان که بعلت ارتکاب مجدد جرم دوباره و چندباره راهی زندان می‌شوند و یا مشمول سایر مجازات قرار می‌گیرند درمی‌یابیم که متأسفانه زندان در اجرای اهداف خویش حقیقاً شکست خورده است. در واقع زندان با خلاء آموزشی که دارد به‌طور غیرمستقیم به زندانی می‌آموزد که چگونه شگردهای مجرمانه را از افراد کارکشته یاد گرفته و از پیچ و خم‌های قانون‌گریخته و به یک بزهار حرفه‌ای تبدیل شود و سپس تجربیات خویش را به دیگران انتقال دهد. زندان به جای القای ارزش‌های پسندیده و بهنجار، ارزش‌های ناصواب و

«در سایر موارد چنانچه ملائت محکوم‌علیه نزد قاضی دادگاه ثابت نباشد، از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد آزاد می‌شود. تبصره: در صورتی که برای قاضی دادگاه ثابت شود محکوم‌علیه با وجود تمکن مالی از پرداخت محکوم‌به خودداری می‌کند، با درخواست محکوم‌له و با دستور قاضی دادگاه تا تأدیه محکوم‌به حبس می‌شود». در تعبیر بسیار جالبی آمده است: «همانگونه که شمار بیماران بستری در بیمارستان‌ها در هر کشوری معیار و میزان سنجش سیاست‌های بهداشتی در آن مملکت انگاشته می‌شود شمار زندانیان نیز معیار و میزان پیشرفت عدالت کیفری در آن کشور و درستی یا نادرستی سیاست جنایی آن کشور به حساب می‌آید» (رستگار انارمرزی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). بنابراین در جهت بهبود هر چه بیشتر سیاست جنایی کشورمان و کاهش جمعیت کیفری ناگزیر به استفاده از کيفرهای جایگزین زندان خواهیم بود.

تدابیر کاهش‌دهنده اثر زندان که از آنها تحت عنوان تدابیر سنتی جایگزین زندان نیز یاد می‌شود عبارتند از: آزادی مشروط، نظام نیمه‌آزادی، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، مجازات‌های تخییری و همچنین به کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس که نمونه‌های بارز آن عبارتند از: درمان و مراقبت، خدمات عمومی رایگان، حبس در منزل، نظارت الکترونیکی، توقیف پایان‌هفته‌ای، اقدامات تأمینی و تربیتی و ... را می‌توان نام برد.

نتیجه‌گیری

زندان یکی از مهم‌ترین ابزار دفاع در مقابله با پدیده جرم و شخص مجرم است. اگرچه فلسفه اصلی تأسیس زندان-



آنها را مستعد جرائم بزرگتر و مهم‌تر نیز می‌نماید. چراکه برخی از آنان پس از آشنایی با خلافکاران حرفه‌ای برای رهایی از وضع تنگدستی و رنج زندگی جذب گروه آنان شده و پس از آزادی مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند. از مجموع این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که زندان دو خصیصه دارد ۱- جرم‌زدایی، ۲- جرم‌زایی. که در نهایت تأسف باید گفت خصیصه دوم آن در طول سال‌های اخیر بیشتر نمود پیدا کرده است و سببی برای تکرار جرم شده است. خلاصه آنکه ناچار به پذیرفتن این واقعیت هستیم که زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است یعنی به منظور آن ایجاد شده ارائه نمی‌دهد. واکنش اجتماعی موجبات برچسب یا انگ مجرمانه زدن به فرد را فراهم می‌سازد نظام عدالت کیفری باعث ایجاد انگ اجتماعی می‌شود (از طریق سجل کیفری، منع اقامت در محل معین و ...) و پلیس، دادگستری و زندان‌ها هر یک به نوبه خود، از عوامل لکه‌دار کردن اجتماعی محسوب می‌گردند. در این صورت به عقیده لی مرت جرم‌شناس انگلیسی بزهکار می‌تواند از رفتار منحرفانه خود یا نقش مربوط به آن بعنوان یک وسیله دفاع، تهاجم یا سازگاری با مسائل نهان و آشکاری که آثار و پیامدهای واکنش اجتماعی بر علیه او ایجاد کرده، استفاده نماید. بدین‌سان این انحرافات ثانویه، بر بزهکار اولیه مسلط می‌شود زیرا در غایت، فرد مجرم جایگاه و هویت اجتماعی یک منحرف را می‌پذیرد و در جهت انطباق خود با نقش‌ها و عملکردهای مربوط به آن کوشش می‌کند. مفهوم تشدید انحراف اشاره به روندی دارد که در آن واکنش اجتماعی در مقابل انحراف فرد، عملاً موجب افزایش و تشدید و تقویت آن می‌شود. تصویری که فرد درستکار از زندان در ذهن دارد

ضداجتماعی را به زندانیان منتقل می‌نماید زندان با به تنگنا گذاشتن زندانیان از نظر مادی و معنوی در عوض زمینه را برای تخطی‌کنندگان از قانون مساعدت می‌نماید. محکومیت به زندان نه تنها بر زندانی تحمیل می‌شود بلکه لاجرم عوارض سوء آن گریبان خانواده و نزدیکان وی را نیز گرفته و آنان را نیز به گرداب جرم می‌کشاند زندان با تحمیل الزامات خشن و طاقت‌فرسا بزهکار را در مسیر قانون‌شکنی و سرکشی جری می‌نماید. زندان قباحت جرم را از بین برده و بزهکاران را به تکرار جرم تشویق می‌نماید. فسادهایی که در زندان حاکم است بزهکاری را حفظ و مجرمین اتفاقی را به بزهکاران خطرناک و حرفه‌ای تبدیل می‌سازد. اصولاً نهاد زندان و شرایط زیست‌محیطی آن و تراکم و اختلاط زندانیان طوری است که نمی‌تواند بزهکار تولید نکند به قول ویکتور هوگو زندان مدرسه جرم‌سازی است و ایجادکننده بزهکار حرفه‌ای.

برای برخی از افراد، زندان بعنوان یک سرپناه امن و جایی است که می‌توان خوراک و پوشاک رایگان دریافت کرد و استراحت نمود. بنابراین اندیشیدن تمهیداتی برای اینگونه افراد تهیدست که عموماً با خرده‌بزهکاری و جرم‌های کوچک و کم‌اهمیت مثل جیب‌بری و کیف‌قاپی یا سرقت گوشی تلفن همراه و ... گرفتار زندان می‌شوند از طریق ایجاد سرپناه یا مراقبت دقیق پس از زندان می‌توان از تکرار جرم آنها جلوگیری کرد و حتی برخی از آنان به سرعت پس از خروج از زندان مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند و با عجز از معرفی ضامن یا کفیل به زندان می‌روند تا حتی برای یک شب هم که شده مأمن خود را از دست ندهند. همه اینها علاوه بر اینکه بر دولت و جامعه هزینه بار می‌کند

فهرست منابع

- با تصور تبهکار یکسان نیست. زندانی برای فرد درستکار رنج و مشقت و بدنامی است و حال آنکه در نظر بسیاری از تبهکاران زندان جایی است که در آنجا عده کثیری از رفقای خود را باز می‌یابند و با هزینه دولت زندگی می‌کنند و در نتیجه زندان نمی‌تواند به آنچه که برای آن در نظر داشته‌اند برسد.
- ### پیشنهادات
- در پایان باتوجه به مباحث مطروحه در این تحقیق موارد ذیل را به عنوان پیشنهاد جهت کاهش آثار منفی زندان در تکرار جرم ارائه می‌نمائیم:
- گسترش امکانات آموزشی و تربیتی و ... و امکان استفاده از خدمات مددکاری و دادیاری؛
 - گسترش کارهای گروهی و گروه درمانی در زندان در کنار مددکاری و مشاوره‌های فردی؛
 - رویکرد یادگیری آموزش و ارجحیت یادگیری مهارت‌های زندگی می‌تواند در آینده از ارتکاب جرم پیشگیری کند؛
 - اگر بتوانیم از محیط‌های دیگری غیر از زندان و با شیوه‌های نظارتی متفاوت از مجرمانی که برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند نگهداری شود به میزان زیادی می‌تواند در کاهش احتمالی ارتکاب جرم موثر می‌باشد؛
 - طبقه‌بندی صحیح مجرمان براساس سابقه، مدت حبس، سنگین بودن جرم، تکرار جرم، کیفیت و چگونگی جرم، در کنار یکدیگر و در واقع زمینه‌های ارتکاب و یادگیری جرائم جدید گرفته شود؛ ضرورت تصویب قوانین مورد نیاز در مورد کیفر جایگزین حبس، تعریف آنها، تعیین جایگاه حقوقی آنها غیرقابل انکار است.
- ۱- آشوری، محمد (الف) (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات- های بینابین، تهران: انتشارات گرایش.
 - ۲- آشوری، محمد (ب) (۱۳۸۶)، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران: انتشارات میزان.
 - ۳- آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، مترجم: محمد، آشوری و حسین، نجفی‌ابرنادآبادی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۴- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، چ ۱، شیراز: انتشارات رز.
 - ۵- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، چ ۲، تهران: نشر میزان.
 - ۶- اسدی، احمد (۱۳۸۵)، به سوی جایگزین‌های نوین نقدی بر مجازات حبس، چ ۱، تهران: انتشارات کوهسار.
 - ۷- باهری، محمد (۱۳۸۱)، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام.
 - ۸- پورهاشمی، عباس (۱۳۸۳)، زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی، چ ۱، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم.
 - ۹- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، چ ۱۴، تهران: انتشارات گنج دانش.
 - ۱۰- حاتمی‌خواجه، نادر (۱۳۸۶)، پذیرش از سوی جامعه زندانبان، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران: انتشارات راه تربیت.
 - ۱۱- خلیلی‌مه‌دی‌رجی، خسرو (۱۳۸۴)، «مقایسه تطبیقی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون ایران و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
 - ۱۲- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰)، لغت‌نامه، دوره ۵۰ جلدی، چ ۲۷ (ژ- ز)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



- ۱۳- راهب، غنچه (۱۳۸۶)، اثرات منفی روانی اجتماعی زندان و زندانی شدن بر زندانیان، مجموعه مقالات اولین همایش بین-المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران: انتشارات راه تربیت.
- ۱۴- رستگارانمرزی، حامد (۱۳۸۶)، «زندان و آثار و پیامدهای آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ۱۵- ریتزر، جورج (۱۳۸۵)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، چ ۱، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۶- ستوده، هدایت اله (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، چ ۱، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۱۷- سمیعی، حسین (۱۳۳۳)، حقوق جزا، چ ۴، تهران: چاپخانه شرکت مطبوعات.
- ۱۸- شمس، علی (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان، چ ۱، تهران: انتشارات راه تربیت.
- ۱۹- شیخوندی، داور (۱۳۷۹)، آسیب‌شناسی جامعه و جامعه‌شناسی انحراف، چ ۱، تهران: انتشارات نشر و پخش.
- ۲۰- شیخی‌منش، مجتبی (۱۳۸۹)، «رابطه بین سابقه و میزان تحمل حبس و تکرار جرم»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ۲۱- صدیق‌سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی انحرافات اجتماعی، چ ۲، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۲- صدیق‌فر، مینا (۱۳۸۴)، «کیفرهای جایگزین مجازات سالب آزادی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ۲۳- طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۲)، حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام، ج اول، قم: بوستان کتاب قم.
- ۲۴- عبدی، عباس (۱۳۸۱)، «زندان و ارتکاب مجدد جرم»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۱۴.
- ۲۵- عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی عمید، چ ۲۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۶- گارو، فالو (۱۳۴۶)، مطالعات علمی و نظری در حقوق جزا، ج ۲، مترجم: سیدضیاءالدین نقابت، تهران: چاپ ابن‌سینا.
- ۲۷- گودرزی‌بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «نارسایی‌های زندان»، مجله دانشگاه علوم رضوی، ش ۹ و ۱۰.
- ۲۸- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، چ ۱۹، تهران: نشر نی.
- ۲۹- معین، محمد (۱۳۳۸)، فرهنگ فارسی، دوره ۶ جلدی، ج ۲ (د-ق)، چ ۸، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۳۰- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۸)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات جنگل.